

## تحولات و تحرکات رژیم اسرائیل: به روایت رسانه‌ها و مقالات معتبر بین‌المللی

مسعود باقری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۵

### چکیده

تقریباً روزی نیست که رژیم صهیونیستی اسرائیل کاری بر ضد ایران انجام ندهد؛ تهدید، توطئه، حمله به منافع ایران و تشکیل ائتلاف‌های ضد ایرانی. بر همین اساس، سوم شخص حاضر این شماره از برآورد به تحلیل‌ها و خبرهایی اختصاص دارد که منحصر در باب رژیم اسرائیل هستند. تلاش شده است نظرها و خبرها بدون دست‌کاری و بی‌آنکه قصدی بر تایید محتوای آن باشد عیناً نقل شود تا انشالله تمهیدی باشد بر شناخت دقیق تحولات و تحرکات خطیری که در جوار سرزمینی ایران می‌گذرد.

واژگان کلیدی: رخداد راهبردی، یهودی‌سازی، جنگ پیشگیرانه، مقاومت اسلامی، شهرک‌سازی.

۱. محقق مسایل شامات.

تقریباً روزی نیست که رژیم صهیونیستی اسرائیل کاری بر ضد ایران انجام ندهد از تهدید تا توطئه و از حمله به منافع ایران تا تشکیل ائتلاف‌های ضد ایرانی. بر همین اساس، سوم شخص حاضر این شماره از برآورد به تحلیل‌ها و خبرهایی اختصاص دارد که منحصر در باب رژیم اسرائیل هستند. تلاش شده است نظرها و خبرها بدون دست کاری و بی‌آنکه قصدی بر تایید محتوای آن باشد عیناً نقل شود تا انشاءالله تمهیدی باشد بر شناخت دقیق تحولات و تحرکات خطیری که در جوار سرزمین ایران می‌گذرد.

### لایحه قانون ملی در اسرائیل

در تاریخ سوم آگوست سال ۲۰۱۱، «آوی دیختر» نماینده کنست از حزب لیکود، همراه با ۳۹ نماینده دیگر کنست، پیش‌نویس یک قانون پایه را مطرح کردند که به لایحه قانون ملی معروف شد: اسرائیل، دولت - ملت مردم یهود؛ طبق این پیش‌نویس، اسرائیل به عنوان دولت ملی مردم یهودی تعریف می‌شد و قصد آن ممانعت از تبدیل اسرائیل به یک دولت دومیته بود: برخی مفاد این پیش‌نویس عبارتند از:

- حق تعیین سرنوشت در اسرائیل منحصر به مردم یهودی خواهد بود؛
- دولت اسرائیل موظف به ایجاد جوامع قومیتی است که هر فرد ساکن اسرائیل بتواند فرهنگ و میراث خود را حفظ کند؛
- زبان عبری تنها زبان رسمی خواهد بود؛
- قانون عبری نیز الهام‌بخش قانون‌گذاران اسرائیل خواهد بود.

لایحه قانون ملی در سال ۲۰۱۱ و بار دیگر در سال ۲۰۱۵ از کسب آرای لازم در کنست ناکام ماند و اکنون بار دیگر احیا شده و اعلام می‌کند «اسرائیل یک دولت - ملت یهودی است.» این لایحه همچنین به نمادهای ملی نظیر پرچم و سرود ملی، حق بازگشت یهودیان، مکان‌های مقدس و تقویم عبری می‌پردازد.

هم‌اکنون لایحه قانون ملی در کمیته وزارتی قانون‌گذاری به تصویب رسیده است و پس از آن در ۲۹ تیر ۱۳۹۷، یعنی ۲۰ جولای ۲۰۱۸ در کنست تصویب شد. اسرائیل قانون اساسی مدونی دارد و تنها ۱۱ قانون پایه دارد؛ قرار بود این قوانین پایه طرح

اولیه یک قانون اساسی باشند که هرگز نگاشته نشد. در این قوانین نیز هیچ تعریفی از اسرائیل به‌عنوان یک کشور یهودی نشده است. این لایحه با هدف تبدیل شدن به یک قانون پایه مطرح شده است.

با این حال، انتقاداتی از سوی چپ‌گراها و عرب‌ها به این لایحه وارد شده است. اومر بارلف نماینده کنست و یکی از سیاستمدارانی که برای ریاست حزب چپ اتحادیه صهیونیستی رقابت می‌کند اعلام کرد که این لایحه نشانگر هدف دولت «جناح راست افراطی» حاکم است که هیچ رهاوردی جز نفرت، منازعه و خسارت برای مردم اسرائیل ندارد. ایمن عوده، رییس حزب عرب فهرست مشترک، این لایحه را یک «اعلامیه جنگ» علیه شهروندان عرب خواند. وی در بیانیه‌ای گفت: «تبعیض، یک مهر و موم قانونی خورده است. خطر این قانون این است که دو طبقه از شهروندان ایجاد می‌کند: یهودی و عرب». ارل مارگارت (از حزب اتحادیه صهیونیستی) که نامزد ریاست این حزب است، این لایحه را یادآور «دوره‌های تاریک» در تاریخ دانست. فلسطینیان نیز چنین لایحه‌ای را مانعی بر سر راه مذاکرات صلح عنوان کرده‌اند.

این در حالی است که پس از تصویب این لایحه در کنست، آمریکا از موضع‌گیری نسبت به قانون ملی اسرائیل امتناع کرد؛ هدر نائورت، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات‌متحده در جلسه روزانه با خبرنگاران، در پاسخ به سوالی درباره موضع ایالات‌متحده در مورد قانون ملی که اسرائیل را تبدیل به «کشوری برای یهودیان» می‌سازد گفت: «ما در قوانین و فرآیند قانون‌گذاری کشورها مداخله نمی‌کنیم. این دولت اسرائیل است که باید پاسخگو باشد. به‌طور کلی ما معتقد به برابری تمام شهروندان در برابر قانون هستیم.»

از سویی دیگر عربستان سعودی نیز به مخالفت با این لایحه پرداخت؛ خبرگزاری رسمی عربستان سعودی گزارش داد که این پادشاهی لایحه جنجالی «قانون ملی» یا «کشور یهودی» اسرائیل را «تبعیض نژادی مستمر» علیه فلسطینیان خوانده و آن را محکوم کرده است.

مایکل روزین، نماینده کنست از حزب سکولار و چپ‌گرای میرتص نیز پیش از تصویب این لایحه، ابراز نگرانی کرده بود که در صورت تصویب لایحه قانون ملی، با

عرب - اسرائیلی‌ها به‌عنوان شهروند درجه دو رفتار خواهد شد.

## بودجه نظامی بیست میلیارد دلاری رژیم اسرائیل

پایگاه اینترنتی جرورالم پست در گزارشی نوشت: «بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۱۷ در مجموع بالغ بر نوزده میلیارد و ششصد میلیون دلار بوده است که این رقم در مقایسه با سال ما قبل آن حدود دو میلیارد دلار افزایش نشان می‌دهد.» به موجب این گزارش الی تیدهار (Eli Tidhar) رییس بخش دفاعی شرکت مشاوره و حسابرسی دیلوئیت (Deloitte) در اسرائیل که به‌عنوان یکی از چهار موسسه بزرگ حسابرسی جهان شناخته می‌شود، با اشاره به افزایش بودجه نظامی اسرائیل، علت این امر را به عوامل مختلف از جمله تشدید تنش‌های اخیر در مرزهای جنوبی و شمالی اسرائیل نسبت داد.

وی در مصاحبه با جرورالم پست گفت: «سطح تهدیدات علیه اسرائیل به‌علت ایران و سوریه و نیز تحریکات فلسطینیان در نوار غزه افزایش پیدا کرده است و این افزایش بودجه نظامی بازتابی از آن است.» وی افزود: «اجرای بزرگترین و بلندپروازانه‌ترین پروژه‌های زیرساختاری ارتش اسرائیل در منطقه (Negev) بسیار پرهزینه و گران است؛ به‌ویژه دو پایگاه اضافی اطلاعاتی و مخابراتی گسترده و پیشرفته در منطقه که پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آینده در نقو به اتمام برسد. به موجب این گزارش، اسرائیل به‌لحاظ میزان بودجه نظامی از میان بیست کشور مورد بررسی در این گزارش در رده پانزدهم قرار دارد.»

در گزارش این موسسه آمریکا با ۶۰۶ میلیارد دلار بودجه نظامی در سال ۲۰۱۷ در صدر قرار دارد و پس از آن چین با ۲۲۶ میلیارد و روسیه با ۷۰ میلیارد دلار در رده‌های دوم و سوم جای گرفته‌اند.

همچنین عربستان سعودی با ۶۲ میلیارد دلار در رده چهارم قرار گرفته و پس از آن فرانسه با ۵۶ میلیارد دلار بودجه دفاعی در رده پنجم است.

در این گزارش آمده است که تقاضای بین‌المللی برای محصولات دفاعی و نظامی در منطقه خاورمیانه (غرب آسیا) رو به افزایش است و این روند منجر به افزایش هزینه‌های

دفاعی در سراسر جهان شده و ممکن است به بالاتر رفتن بودجه نظامی کشورهای غربی و ناتو برای مقابله با تهدیدات بالقوه و نیز حفظ سطح رقابتی با دیگر کشورها منجر شود.

این گزارش در عین حال تاکید می‌کند رشد بودجه دفاعی دو کشور کلیدی منطقه، یعنی امارات متحده عربی و عربستان سعودی اخیراً کاهش یافته است با این همه بودجه نظامی اسرائیل رو به افزایش است. در گزارش موسسه دیلویتت تاکید شده است «بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بود و در رده هفدهم جدول قرار داشت.» بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اواسط ماه اوت سندی را تحت عنوان رویکرد امنیتی ۲۰۳۰، تسلیم کابینه کرد که به موجب آن بودجه دفاعی طی سال‌های آینده تا میلیون‌ها دلار افزایش پیدا می‌کند. وی اعلام کرد هدف اسرائیل این است که میزان بودجه نظامی اسرائیل را به دست کم شش درصد تولید ناخالص داخلی برساند. در سال ۲۰۱۶، بودجه نظامی اسرائیل ۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود. نتانیاهو اعلام کرده است «این افزایش بودجه صرف تقویت توانمندی‌های تهاجمی اسرائیل از جمله قابلیت حملات سایبری و ارتقای سامانه دفاع موشکی و تکمیل موانع امنیتی در مرزها خواهد شد.»

در گزارش ماه می، موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم میزان بودجه نظامی اسرائیل در سال ۲۰۱۷ حدود ۷/۴ درصد تولید ناخالص داخلی اعلام کرده بود. این موسسه اسرائیل را از جمله ده کشور نخست دارای بالاترین بودجه نظامی در جهان توصیف کرده بود.

واحد صادرات نظامی وزارت جنگ اسرائیل موسوم به سیبات (SIBAT) در ماه می اعلام کرد میزان صادرات نظامی اسرائیل در سال ۲۰۱۷، حدود چهل درصد افزایش یافته است و شرکت‌های اسرائیلی در این سال انواع سامانه‌های موشکی و دفاع هوایی (به ترتیب ۱۷ درصد و ۳ درصد)، سامانه‌های مخابراتی (۹ درصد)، سامانه‌های دیده‌بانی و نظارتی (۸ درصد) و سامانه‌های دریایی و ماهواره‌ای (۱ درصد) صادر کرده‌اند. بزرگترین مقصد صادرات اقلام نظامی اسرائیل منطقه آسیا - اقیانوس آرام با ۵۸ درصد بوده است.

## رکورد بی سابقه بودجه جاسوسی اسرائیل

منابع خبری در رژیم صهیونیستی اعلام کردند «بودجه سازمان اطلاعات خارجی این رژیم به رکورد بی سابقه دو میلیارد و سیصد میلیون دلار رسید.» به گزارش شبکه تلویزیونی اسکای نیوز عربی، روزنامه هآرتص در گزارشی نوشت: «سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل، موساد، در حال حاضر به طور دایم هفت هزار نفر را بکار گرفته است.» بودجه این سازمان برای امسال به رقمی بی سابقه، یعنی حدود دو میلیارد و سیصد میلیون دلار رسیده است.

در اسرائیل جاسوسی بخشی جدا نشدنی از امنیت داخلی است، این تعریف اهمیت موساد برای اسرائیل را از زمان تاسیس این سازمان در سال ۱۹۵۱ تاکنون نشان می دهد. به نظر می رسد اقدامات کابینه بنیامین نتانیا هو بیش از دیگر کابینه ها در مسیر تقویت این سازمان بوده است. گزارش هآرتص در این زمینه می نویسد: «موساد در حال حاضر حدود هفت هزار نفر را به طور دایم بکار گرفته است تا این آمار موساد را پس از سی آی ای (سیا) در آمریکا به بزرگترین نهاد جاسوسی جهان تبدیل کند.»

این گزارش می افزاید، از اوایل سال ۲۰۱۶، یعنی از زمان تعیین یوسی کوهین به عنوان رییس موساد، این سازمان با توسعه های قابل توجه و تغییرات بزرگی مواجه شده است به همین دلیل از بودجه های بی سابقه ای در کابینه بهره می برد؛ زیرا بودجه موساد برای امسال به حدود دو میلیارد و سیصد میلیون دلار رسیده است و به نظر می رسد این رقم در سال آینده به دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار برسد.

این رقم ها نشان می دهد بودجه موساد در دوران نخست وزیر نتانیا هو، یعنی از سال ۲۰۰۹، دو برابر شده است. موساد در سال های اخیر مسیرها را جهت پی بردن به توسعه شرایط در ماموریت های این سازمان مسدود کرده است؛ مثلا در سال گذشته از اولین صندوق سرمایه گذاری در یک شرکت فناوری فوق پیشرفته خبر داده شد که در توسعه برنامه ها، تجهیزات یا خدماتی فعالیت می کند که می تواند این سازمان را در ماموریت های جاسوسی یاری دهد.

پایگاه اینترنتی این سازمان کاربران و ماجراجویان عرصه اینترنت را تشویق می کند تا با موساد در ارتباط باشند و بتوانند مسیرهای جدیدی را در اشتغال زایی تجربه کنند.

این پایگاه اینترنتی شرحی را از آنچه که اسرائیل در پی آن است، ارائه می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه این پایگاه اینترنتی اطلاعاتش را با زبان‌های مختلف به کاربران ارائه می‌کند که عربی و فارسی از جمله این زبان‌ها است. این موضوع نشان می‌دهد کابینه اسرائیل برای جذب مزدورانی از تمامی نقاط جهان در تلاش است.

## دلیل اهمیت باب‌المنذب برای اسرائیل

به گزارش «هاکریا ۲۰۴۰» به نقل از هآرتص، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هفته گذشته اعلام کرد که اگر ایران اقدام به بستن تنگه باب‌المنذب در دریای سرخ کند، اسرائیل به ائتلافی بین‌المللی علیه ایران خواهد پیوست. «اورا کورن»، تحلیل‌گر هآرتص نوشت: «نتانیاهو هفته گذشته هشدار داد که اگر ایران اقدام به بستن باب‌المنذب کند، خود را در برابر ائتلافی بین‌المللی برای ممانعت از این اقدام خواهد یافت و این ائتلاف شامل اسرائیل و تمام نیروهای آن خواهد شد.»

یکی از دلایل این «شاخ‌وشانه‌کشی» از سوی نتانیاهو این است که باب‌المنذب، آبراهی استراتژیک و مسیری مهم برای تجارت بین‌المللی است. مسیر جایگزین آن، دورزدن قاره آفریقا از طریق دریاست. حجم بزرگی از نفت کشورهای خلیج‌فارس از طریق این تنگه به اروپا می‌رسد. در سال ۱۹۶۷، بستن تنگه تیران از سوی مصر، یکی از دلایل وقوع جنگ ۱۹۶۷ بود؛ در آن زمان اسرائیل نسبت به از دست رفتن بازدارندگی خود هراس داشت و سایر مسایل مربوط به تجارت با شرق، در قیاس با این مسئله، اهمیت چندانی نداشتند.

اگر اسرائیل به‌خاطر بستن تنگه باب‌المنذب به ائتلافی بین‌المللی علیه ایران بپیوندد، چندین دلیل برای آن می‌توان برشمرد. اسرائیل می‌خواهد از منافع اقتصادی خود و ارتباط با شرق، عمدتاً با چین محافظت کند. اسرائیل در پیوستن به ائتلافی که حافظ مصر و عربستان سعودی باشد، ذینفع است؛ چنین اقدامی احتمالاً موقعیت ژئوپلیتیک اسرائیل در خاورمیانه و روابط آن با کشورهای خلیج‌فارس را که از ایران هراس دارند، تقویت می‌کند.

به‌لحاظ اقتصادی، سخن از رفت و برگشت سالانه ۱۵ میلیارد دلار کالا برای اسرائیل

از طریق باب‌المندب است. به‌طور خاص، بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار اسرائیل، ارزش تجارت دریایی سال ۲۰۱۷، اسرائیل با آسیا و اقیانوسیه (استرالیا و نیوزلند) ۱۲,۳ میلیارد دلار در واردات و ۳ میلیارد دلار در صادرات بوده است.

برای مقایسه، کل تجارت کالای اسرائیل در سال گذشته بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار بوده که سهم واردات، ۶۹ و سهم صادرات، ۶۱ میلیارد دلار بوده است. بر این اساس، ۱۸ درصد از کل واردات (۱۵,۵ درصد از چین) و ۵ درصد از کل صادرات اسرائیل به تنگه باب‌المندب وابسته است.

بستن تنگه باب‌المندب از سوی ایران و وقوع یک جنگ، سناریویی افراطی و بعید است. اگر هیچ دلیل دیگری وجود نداشته باشد، تنها به یک دلیل به‌نظر نمی‌رسد در این مرحله چنین اتفاقی رخ دهد؛ ایران به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد و بنابراین نفعی در ایجاد حریقی که از کنترل خارج شود و دامنه ائتلافی غربی علیه آن را وسعت بخشد، ندارد.

### چشم‌انداز پیروزی دموکرات‌ها، مانع نسبی اسرائیل در معامله قرن

«علی بیگدلی» استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسایل آمریکا با اشاره به دلایل تاخیر در اعلام طرح معامله قرن تصریح و تاکید می‌کند که: «یکی از عمده دلایلی که اعلام طرح معامله قرن به تاخیر افتاد بحث انتخابات میان دوره‌ای آمریکاست که از اهمیت بالایی در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایالات‌متحده برخوردار است؛ چراکه داده‌ها نشان می‌دهد در وضعیت فعلی دموکرات‌ها شانس بالایی برای پیروزی در انتخابات دارند و سنا را از آن خود می‌کنند. اگر چنین اتفاقی بیافتد بدون تردید جایگاه و میزان نفوذ ترامپ در آمریکا خواهد افتاد و حتی احتمال کلید خوردن طرح استیضاح وی وجود دارد. تمامی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که جناح جمهوری خواهان به تکاپو افتاده‌اند و به‌نظرم اگر ایران بخواهد با آمریکا وارد مذاکره شود باید منتظر خروجی این انتخابات باشد تا بتوان در مورد وضعیت و جایگاه ایران گمانه‌زنی حداکثری صورت داد.»

یکی دیگر از دلایل تعویق در اعلام طرح معامله قرن، نگرانی نخست‌وزیر اسرائیل از

نتایج انتخابات پیش‌رو است. نتانیاهو و حزب لیکود به خوبی می‌دانند که افراط‌گرایی و گرایش‌های راست‌گرای آنها باعث شده تا رقبای داخلی در موضع برتری قرار بگیرند و از سوی دیگر نگاه مردم نسبت به آنها منفی‌تر شود. این در حالی است که اتهامات نتانیاهو و همسر وی موجب ایجاد نارضایتی عمومی در تل‌آویو شده است و تمامی این موارد باعث می‌شود تا احتمال پیروزی راست‌افراطی و نتانیاهو کاهش پیدا کند. بدون تردید بدنه و پشت‌صحنه اسرائیل به خوبی می‌دانند که خشونت و تندروی که در سالیان اخیر اعمال شده خطرات زیادی برای رژیم صهیونیستی به بار آورده و در صدد مهار آن هستند.

در بحث معامله قرن آنچه باید مدنظر قرار بگیرد شناسایی و تحویل قدس شرقی به فلسطینیان است، از این جهت کشورهایمانند مصر، عربستان و اردن نیز با اعلام قطعی این طرح مخالف هستند. اگر دقت کنیم می‌فهمیم که نزدیک به ۶۰ درصد از جمعیت اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند که اخیراً هم شورش‌های داخلی این کشور باعث شد تا خاندان هاشمی جایگاه خود را در خطر ببینند و از این منظر وضعیت باثباتی در آنجا حاکم نیست. در این بین، اگرچه عبدالفتاح السیسی در انتخابات اخیر مصر پیروز شد؛ اما اخطار شیوخ الازهر در مورد فلسطین باعث شده تا وی از موضع قبلی خود و همراهی با اسرائیل تا حدودی عقب‌نشینی کند.

یکی دیگر از اضلاع این پرونده، عربستان سعودی است؛ باید توجه داشت که در داخل عربستان اوضاع به نفع ولیعهد نیست و از سوی دیگر جناح‌های سنتی در این کشور نمی‌توانند نسبت به پرونده فلسطین بی‌تفاوت باشند. اگرچه جهان اسلام در مورد پرونده فلسطین آن‌گونه که باید از خود شور و تحرک جدی نشان نداد؛ اما به هر حال این پرونده برای مسلمانان و کشورهای اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین همان‌طور که در ابتدا گفته شد اگر دموکرات‌ها بتوانند اکثریت را در سنا به دست بیاورند، نفوذ آنها بر ترامپ افزایش خواهد یافت. ممکن است عده‌ای بگویند که هر دو جناح در آمریکا اسرائیل را حمایت می‌کنند؛ اما با نگاهی به زدوخوردهای میان نتانیاهو و دولت اوپاما می‌توان چنین برداشت کرد که دموکرات‌ها تا حدی متفاوت‌تر از جمهوری خواهان عمل کرده‌اند. در این راستا ممکن است پیروزی دموکرات‌ها تا حدودی بحث شهرک‌سازی‌ها و تندروی لیکود را تقلیل بدهد.

## حمایت سنا از اعطای کمک نظامی ده ساله آمریکا به اسرائیل

سنای آمریکا با یک مصوبه فراحزبی، ضمن حمایت دوباره از اعطای کمک نظامی ده ساله به اسرائیل به مبلغ ۳۸ میلیارد دلار، عملی کردن این بسته را وارد مسیر قانون‌گذاری آمریکا کرد. هم‌زمان، مجلس سنا با حمایت هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، دادن کمک به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار برای امسال به ارتش اسرائیل را تصویب کرد. بر اساس بسته کمک‌های آمریکا، جنگ‌افزار آمریکایی بیشتری در پایگاه‌های منطقه ذخیره خواهد شد و ارتش اسرائیل این اختیار را خواهد داشت تا در شرایط جنگی، بر اساس تشخیص خود، به آن دسترسی داشته باشد.

همچنین بسته کمک‌های آمریکا، امکان همکاری اسرائیل با ناسا را امکان‌پذیر می‌کند. رسانه‌های اسرائیل، جمعه ۱۲ مرداد گزارش دادند که «بسته‌های کمک نظامی آمریکا، با هدف تامین امنیت اسرائیل»، در جریان نشست روزهای گذشته در سنای واشنگتن تصویب شد. سنا چهارشنبه ۱۰ مرداد بودجه نظامی سالیانه آمریکا را زیر عنوان هزینه‌های دفاع ملی به مبلغ کلی ۶۳۹ میلیارد دلار تصویب کرد؛ مجلس نمایندگان نیز پیشتر با آن موافقت کرده بود. این مصوبه‌ها با حمایت‌های هر دو حزب و از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در مجلس نمایندگان و سنا، قطعی به‌نظر می‌رسد.

اعطای کمک‌های ۳۸ میلیارد دلاری آمریکا به اسرائیل برای یک دوره ده ساله از سال ۲۰۱۸ به بعد، در آخرین روزهای ریاست‌جمهوری باراک اوباما میان هیات‌های سیاسی و نظامی دو کشور بررسی و تنظیم شد. باراک اوباما بعد از دستیابی به برجام و توافق هسته‌ای قدرتهای جهانی با ایران، با هدف راضی کردن اسرائیل که به شدت با آن مخالف بود، کمک‌های سالیانه آمریکا به اسرائیل را که تا پیش از آن اندکی بیش از سه میلیارد دلار در سال بود، به‌طور متوسط به سه میلیارد و هشتصد میلیون دلار افزایش داد.

ایالات متحده به‌جای تصویب سال به سال بسته‌های کمکی، موافقت کرد که یک دوره ده ساله برای دادن یاری‌ها به اسرائیل، پیشاپیش تضمین شود. یادداشت تفاهم دو کشور در مورد این بسته ده ساله، سپتامبر سال ۲۰۱۶، امضا شد. چند روز بعد

از آن، دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری برنده شد و جمهوری خواهان تاکید کردند که کمک‌ها به اسرائیل کافی نیست و باید کمک بیشتری در اختیار اسرائیل قرار گیرد. سنا در دسامبر سال ۲۰۱۶ که آخرین روزهای ریاست جمهوری باراک اوباما بود، تصویب کرد که کمک ۶۰۰ میلیون دلاری جداگانه‌ای برای توسعه همکاری‌های دو کشور در امور موشکی اختصاص یابد.

به گزارش رسانه‌های اسرائیل، سنا ضمن حمایت دوباره از بسته ده ساله نظامی و تسلیحاتی به اسرائیل، موافقت کرده که مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار دیگر نیز در اختیار ارتش اسرائیل قرار گیرد. به گزارش رسانه‌های خبری «عاروتز شوا» و «جی‌تی‌ای»، ۵۰۰ میلیون دلار برای همکاری دو کشور در توسعه سامانه‌های پدافند موشکی اسرائیل و ۵۰ میلیون دلار نیز جهت کمک به اختراعات نظامی اسرائیل در مقابله با تونل‌های نفوذی و ساخت تجهیزات بیشتر در کشف این نوع تونل‌ها اختصاص یافته است.

ایپک، کمیته مناسبات عمومی اسرائیل و آمریکا که در دو سال گذشته برای تصویب سریع‌تر اعطای کمک‌های نظامی به اسرائیل در بیانیه‌ای با ابراز خرسندی از مصوبه چهارشنبه سنا نوشت: «اسرائیل از امکانات لازم برای دفاع از خود در برابر تهدیدهای رو به افزایش برخوردار می‌شود.» ایپک از جمله به آنچه که «تهدیدهای ناشی از حضور نظامی ایران در مرز شمالی اسرائیل» نامیده، اشاره کرده است. اسرائیل در دوره اخیر در صدد جلب توجه آمریکا و روسیه به لزوم بیرون رفتن نظامیان ایران و هم‌پیمانانش از سوریه بوده و از خطرات ناشی از این حضور، سخن گفته است.

### سفر لاوروف و رییس ستاد مشترک ارتش سوریه به اسرائیل برای گفتگو در مورد ایران

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه و ژنرال والرئ گراسیموف، رییس ستاد مشترک ارتش روسیه، برای گفتگو درباره سوریه و ایران به اسرائیل سفر کرده و با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و دستیارانش گفتگو کرده‌اند. این دیدار سه روز بعد از تماس تلفنی ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه و نخست‌وزیر اسرائیل انجام می‌شود. اسرائیل مخالف حضور نظامی ایران در سوریه و به‌خصوص در نزدیکی بلندی‌های اشغال شده جولان، واقع در شمال اسرائیل است و از روسیه

خواسته که به‌عنوان متحد ایران در سوریه، امنیت اسرائیل را تضمین کند. روزنامه اسرائیلی هاآرتص گزارش داده که دیدار مقامات ارشد روسیه و اسرائیل حدود دو ساعت طول کشیده و در جریان آن طرفین به جزئیات حضور نظامی ایران در سوریه پرداخته‌اند. هاآرتص می‌گوید مقامات روس به اسرائیل پیشنهاد داده‌اند که نیروهای ایران به ۱۰۰ کیلومتری منطقه جولان نزدیک نشوند؛ اما طرف اسرائیلی اصرار دارد که راکت‌ها و موشک‌های با برد بیشتر از ۱۰۰ کیلومتر ایران نیز از سوریه برچیده شوند.

یک مقام اسرائیلی ناشناس به هاآرتص گفته است که اسرائیل ترجیح می‌دهد پیش از آنکه ایران «صدها هزار موشک» در سوریه مستقر بکند، دست به اقدام بزند. او گفت: «اسرائیل اجازه نخواهد داد که سوریه به یک (لبنان دیگر) تبدیل بشود.»

منابع رسمی سوریه روز یکشنبه اعلام کردند که اسرائیل یک پایگاه نظامی را در شهر مصیاف در استان حما هدف حمله قرار داده است. تلویزیون دولتی سوریه با اعلام این خبر، تصاویری از ستون‌های دود در یک منطقه نامشخص را پخش کرد و با چند افسر ارشد سابق ارتش صحبت کرد که این حملات را واکنشی به پیشرفت سوریه در نزدیکی بلندی‌های جولان خواندند. اسرائیل بارها اهدافی را در سوریه هدف حمله قرار داده است. به‌نظر می‌رسد هدف عمده حملات به مصیاف که سال گذشته گزارش شد، ممانعت از انتقال سلاح از ایران به حزب‌الله لبنان است.

## ترجمه کامل سرود ملی رژیم اسرائیل

ترجمه کامل سرود ملی رژیم اسرائیل را باید هر مسلمانی و هر انسان با شرافتی بداند و موضع خود را در برابر آن مشخص کند:

تا زمانی که در سینه‌هایمان نفس یهودیت وجود دارد!!

به‌سوی شرق پیشروی می‌کنیم

هنوز همه آرزوهایمان محقق نشده است

آرزوی هزاران ساله بر روی سرزمینمان

سرزمین صهیون و اورشلیم

تا بلرزند بر خود هر که دشمن ماست!!  
 تا بلرزند بر خود همه ساکنان مصر و کنعان!!  
 تا بلرزند بر خود همه ساکنان بابل و عراق!!  
 تا رعب و وحشت از ما بر قلب‌هایشان خیمه افکند!!  
 تا نیزه‌هایمان را در سینه‌هایشان فرو نشانیم!!  
 و ببینیم خون‌هایشان جاری است!!  
 و سرهایشان از بدن جدا شده!!  
 و آنگاه ملت برگزیده خدا خواهیم بود  
 همان‌گونه که خدا اراده کرده است

### اسرائیل، منبع اصلی بی‌ثباتی در خاورمیانه

به گزارش «هاکریا ۲۰۴۰» به نقل از میدل ایست مانیتور، نتایج نظرسنجی مرکز عربی تحقیقات و مطالعات سیاسی دوحه نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد از جمعیت جهان عرب معتقدند که آرمان فلسطین، آرمان عربی نیز هست و اسرائیل و ایالات متحده را در صدر تهدیدات امنیت ملی کشور خود تلقی می‌کنند. ۹۰ درصد شرکت‌کنندگان نیز اسرائیل را منبع بی‌ثباتی در خاورمیانه دانسته‌اند.

این نظرسنجی نشان می‌دهد با وجود آنکه عربستان سعودی، بحرین و امارات اخیراً روابط خود با اسرائیل را آشکارتر کرده‌اند؛ اما اکثریت قابل‌توجهی (۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان)، با سیاست به رسمیت شناختن اسرائیل مخالف هستند. بسیاری از آنها دلیل خود را سیاست‌های استعماری اسرائیل علیه فلسطینیان عنوان کردند. بیشتر پاسخ‌دهندگان (۸۷ درصد)، نگرشی منفی نسبت به سیاست ایالات متحده در قبال فلسطین داشتند که نسبت به سال ۲۰۱۶، ۸ درصد رشد داشته است.

بیش از ۱۸ هزار شهروند عرب، در ۱۱ کشور در این نظرسنجی شرکت داشتند. این نظرسنجی که از سال ۲۰۱۱، به‌طور سالانه منتشر می‌شود، مقیاسی برای سنجش افکار عمومی عرب (از لبنان تا موریتانی) در مورد طیف متنوعی از مسایل (اقتصاد داخلی تا امور جهانی) است.

## گروه ضربت اسرائیلی - آمریکایی «پروژه ایران»

به نوشته دبکا، پروژه ایران، ۲۹ ماه ژوئن در جریان مذاکرات گادی آیزنکوت، رییس ستاد مشترک ارتش اسرائیل با مقامات نظامی ارشد واشنگتن در مورد عملیات نظامی هماهنگ علیه ایران راه اندازی شد. آیزنکوت، سرلشکر نیتسان الون را که پیشتر رییس اداره عملیات ارتش اسرائیل بود، به عنوان نخستین مدیر این پروژه ویژه ارتش اسرائیل که برای هماهنگی تمام مسایل مرتبط با نبرد اسرائیل علیه ایران است، منصوب کرد. «پروژه ایران» اسم رمزی برای گروه ضربت تازه تاسیس اسرائیلی - آمریکایی است که مسئولیت اجرای تصمیمات احتمالی برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، موشک‌های بالستیک و پایگاه‌های نظامی آن در خاورمیانه را بر عهده دارد.

منابع نظامی و اطلاعاتی دبکا گزارش دادند، آیزنکوت پس از اینکه روابط ایالات متحده - روسیه در مورد ایران را رو به بن‌بست دید، زمان را از دست نداد و اقدام به تاسیس این گروه کرد؛ اکنون احتمال درگرفتن یک جنگ تمام‌عیار با ایران روز به روز بیشتر می‌شود. این پروژه ارتش اسرائیل از ۴ گروه فرماندهی اسرائیلی - آمریکایی تشکیل شده است.

گروه فرماندهی هسته‌ای: این گروه اهداف هسته‌ای مهم در ایران را پوشش می‌دهد: تسلیحات، راکتورهای پلوتونیوم، تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم و سایت‌های تولید سانتریفیوژ.

گروه فرماندهی بالستیک: این گروه به ذخایر و سایت‌های راه اندازی موشک‌های بالستیک ایران در آشیانه‌های سطح و زیرزمین و نیز تاسیسات تولید موشک و مراکز تحقیق و توسعه در مورد موشک‌ها می‌پردازد.

گروه فرماندهی ضد خرابکاری: این گروه مسئولیت عملیات پنهان و آشکار علیه مراکز نظامی و اطلاعاتی ایران در سرتاسر خاورمیانه به‌ویژه در سوریه، لبنان و یمن و نیز مسئولیت جنگ سایبری را بر عهده دارد.

گروه فرماندهی اقتصادی: این گروه تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران را پوشش می‌دهد. همکاری اسرائیل با این فرماندهی مشترک اطلاعاتی و در مورد ترفندهای داخلی و بین‌المللی ایران برای دور زدن تحریم هاست.

## رتبه چهارم اسرائیل در «روابط توئیپلماتیک»

به گزارش «هاکریا ۲۰۴۰» به نقل از جروزالم پست، موسسه آمریکایی Bur-son-Marsteller، یکی از برجسته‌ترین موسسات روابط عمومی در جهان، روز سه‌شنبه گزارشی را در مورد «توئیپلماسی» منتشر و میزان دسترسی کشورهای جهان و رهبران آنها به شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه توئیتر را بررسی کرد.

بر اساس این گزارش، در حالی که بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل با ۱,۴ میلیون فالوئر در حساب توئیتری خود، پشت سر چندین رهبر جهان از جمله دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا و حتی ملکه رانیا، همسر پادشاه اردن قرار دارد؛ اما وزارت خارجه اسرائیل با ۵۰۱ هزار فالوئر عملکرد بسیار خوبی از خود نشان داده است.

توئیتر وزارت خارجه ایالات متحده با بیش از ۵ میلیون فالوئر، محبوب‌ترین وزارت خارجه در توئیتر است؛ پس از آن وزارت خارجه‌های عربستان سعودی، هند، ترکیه و روسیه قرار دارند. در بحث آنچه این بررسی، «روابط توئیپلماتیک» می‌خواند، اسرائیل رتبه چهارم را کسب کرده است. بر اساس این گزارش، روابط توئیپلماتیک به معنای برقراری روابط توئیتری متقابل با سایر وزارتخانه‌هایی است که امکان رد و بدل شدن مستقیم پیام را فراهم می‌کنند.

اسرائیل همچنین با داشتن یک شبکه وسیع «توئیپلماتیک» با بیش از ۱۰۰ سفارتخانه و سفیر در توئیتر، وضعیت مطلوبی را در این گزارش به دست آورده است. بر اساس این مطالعه، دونالد ترامپ از زمانی که رییس‌جمهور ایالات متحده شده است به طرز غیر قابل انکاری، بیشترین تاثیر را بر توئیتر داشته است. ترامپ با داشتن بیش از ۵۲ میلیون فالوئر، محبوب‌ترین رهبر جهان از نظر تعداد فالوئر هاست و توئیتهای او به طور میانگین، بیش از ۲۰ هزار بار ریتوئیت می‌شوند. پس از ترامپ، پاپ فرانسیس با ۴۷,۵ و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند با ۴۲,۵ میلیون فالوئر قرار دارند.

بر اساس این بررسی از ۳ هزار و ۵۵۶ توئیتهای نتانیا هو، توئیتهای که بیشترین ریتوئیت را داشته است، اظهار نظر او در مورد ساخت دیوار در مرز ایالات متحده-مکزیک در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷ بوده است. نتانیا هو در این توئیتهای که خشم دولت مکزیکی را برانگیخت، نوشته بود: «حق با رییس‌جمهور ترامپ است. من دیواری در

مرز جنوبی اسرائیل ساختم و مهاجرت غیر قانونی را به کلی متوقف ساختم. موفقیت بزرگ. ایده بزرگ.»

## بخش ویژه ارتش رژیم اسرائیل برای ایران

به نوشته روزنامه معاریو، به دستور رییس ستاد کل نیروهای مسلح رژیم اسرائیل، بخش جدیدی با عنوان «پروژه ویژه» ارتش اسرائیل برای هماهنگی مسایل مربوط به مناقشات با ایران، راه‌اندازی شد.

همچنین آیزنکوت با صدور حکمی، ژنرال «نیسان الون» رییس سابق اداره عملیات ارتش را به‌عنوان اولین مسول این پروژه منصوب کرد. این اولین بار است که ارتش اسرائیل یک مسئول برای «پروژه مقابله با ایران» منصوب کرده که باید اقدامات در تمام حوزه‌های تقابل تل‌آویو با تهران را، از جمله برنامه هسته‌ای و حضور ایران در سوریه، هماهنگ کند.

گفتنی است که پس از خرداد ۸۸ نیز پروژه‌ای با نام «دموکراسی برای ایران» به‌وسیله آمریکا طراحی گردید که در نهایت تبدیل به یک اندیشکده و البته پرتالی اینترنتی برای فکر کردن درباره تغییر حکومت ایران شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، از آن زمان رفتار غرب با ایران، برمبنای رصد تحولات داخلی کشور، تحلیل روندهای کلیدی و رویکرد موقعیتی در قالب پروژه‌های هدفمند بوده است.

## هراس از نبرد با ایران

«جنگ با ایران، چیزی است که حتی نمی‌خواهم تصورش را بکنم.»؛ این جمله‌ای است که «اران اتزیون» که سال‌ها در عالی‌ترین سطوح شورای امنیت رژیم صهیونیستی و وزارت خارجه این رژیم فعالیت کرده در مصاحبه‌ای مفصل با نشریه «هاآرتص» درباره احتمال وقوع درگیری نظامی میان تل‌آویو و تهران می‌گوید.

اتزیون که سال ۱۹۹۲ وارد وزارت خارجه رژیم صهیونیستی شد، در سال‌های بعد تا رده معاون شورای امنیت این رژیم هم ارتقا یافت و در سال ۲۰۱۳ قرار بود به‌عنوان کاردار سفارت اسرائیل در واشنگتن منصوب شود. در آن سال رسانه‌ها گزارش دادند

شماری از مقام‌های وزارت خارجه رژیم صهیونیستی به دلیل گفتگوی بدون مجوز با رسانه‌ها توبیخ و برخی تعلیق شده‌اند؛ اتریون یکی از این افراد بود. این دیپلمات مغضوب اسرائیلی در مصاحبه با هآرتص اظهاراتی مطرح کرده که خشم دفتر «بنیامین نتانیاها» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را هم برانگیخته، تا جایی که صحبت اتریون را «مزخرف» و «عاری از واقعیت» توصیف کرده است. او در این مصاحبه از هراس از نبرد با ایران، ضعف ساختاری در رژیم صهیونیستی و اختلافات میان بخش‌های مختلف حاکمیت این رژیم صحبت می‌کند.

### تبعات غیرقابل تصور نبرد با ایران و حزب‌الله

او از نگرانی‌اش از وقوع جنگ در منطقه صحبت می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر ملت‌هت‌ترین نقطه، سوریه است، جایی که ما همین حالا هم درگیر نوعی از جنگ سطح پایین هستیم. این وضعیت قطعاً می‌تواند تشدید شود؛ چراکه تنها حد فاصل ما تا این وضعیت، روسیه است. نتانیاها مدام می‌گوید هدف ما خارج کردن ایران از سوریه است. بقیه مقامات هم این حرف او را تکرار می‌کنند. این هدفی است که تحقق آن در توان ما نیست و اصرار بر آن می‌تواند جنگ به پا کند، آن هم در محیطی بسیار بی‌ثبات با مشارکت ایرانی‌ها، شبه‌نظامیان طرفدار ایران، حزب‌الله و همچنین دخالت ترکیه. راه‌حل نهایی را روس‌هایی تدوین می‌کنند که به اینکه بازیگری هستند که با همه طرف‌ها گفتگو دارند، فخر می‌فروشند، اما آنها به ایرانی‌ها یک داستان می‌گویند و به اسرائیلی‌ها داستانی متفاوت. تنها یک چیز قطعی است؛ اینکه ایالات‌متحده در حال خارج کردن نیروهایش است. اتفاقی تکان‌دهنده در جریان است. برای اولین بار، اسرائیل و ایران مستقیماً با هم اصطکاک نظامی پیدا کرده‌اند. اکنون بیش از هر زمان دیگر این احتمال وجود دارد که این وضعیت به جنگی تمام‌عیار که می‌تواند تمام اشکال مختلف جنگ را داشته باشد، بدل شود.

یعنی اگر حزب‌الله وارد این نبرد شود، تخریب و ویرانی‌ای که تل‌آویو و دیگر مراکز شهری اسرائیل متحمل می‌شوند، در ابعادی خواهد بود که پیش از این نظیرش را ندیده‌ایم. ما هم هیچ راهی برای توقفش نخواهیم داشت. ما یک راه برای پاسخ خواهیم داشت؛ اما نمی‌دانم اینکه بیروت در پاسخ به ویرانی تل‌آویو، ویران شود، برای کسی

تسلای خاطر خواهد بود؟ اما وقتی جنگ میان اسرائیل و حزب‌الله چیزی است که تاکنون نظیرش را تجربه نکرده‌ایم، در آن صورت جنگ مستقیم میان اسرائیل و ایران چیزی است که من حتی نمی‌خواهم تصورش را کنم، هرچند که شوربختانه، من در سمت‌هایی که داشته‌ام، مجبور بوده‌ام تصورش کنم. یک ارجاع به درد بخور، جنگ ایران و عراق است؛ هشت سال طول کشید و یک میلیون نفر کشته شدند.

### عمق راهبردی، تاریخ ایران و کنایه دیپلمات ایرانی به کانادایی‌ها

آیا اسرائیل از ایران قدرتمندتر نیست؟ مسئله این است که قدرت را چطور اندازه‌گیری کنید. عبارت کلیدی‌ای وجود دارد به نام «عمق استراتژیک»، که ایرانی‌ها همین اخیراً در قالب این مناقشه آن را بکار بردند. یک مقام ارشد ایرانی گفت: «اسرائیل باید مراقب باشد؛ چراکه عمق استراتژیک ندارد. شما واقعا باید بروید سراغ اصول اولیه و به وضعیت جغرافیایی، جمعیتی و تاریخ نگاهی بیاندازید. اسرائیل قدرت نظامی دارد؛ اما ایران جغرافیایی عظیم، جمعیتی ۸۰ میلیونی و تاریخی چند هزار ساله دارد. آنها یک تمدن هستند.» یکی از سفرای سابق کانادا در اسرائیل برای من تعریف می‌کرد که در دیداری میان مقامات وزارت امور جهانی [وزارت خارجه] کانادا و سفیر ایران در کانادا، سفیر ایران وارد شده و نگاهی به فرش اتاق انداخته و گفته «ایران فرشی پارسی است که در طول ۵۰۰۰ سال بافته شده؛ کانادا لایه نازکی از غبار روی این فرش است.» در برداشت ایرانی‌ها از خود، وهمی خودبزرگ‌بینانه و یک احساس حرمان تاریخی، وجود دارد. آنها احساس می‌کنند حالا که اعراب ضعیف هستند و خاورمیانه در حال فروپاشی است، فرصتی برای احیای جایگاه خود دارند. زمانی که برای حرکات راهبردی خود برنامه‌ریزی می‌کنند، افق دید طرح‌شان تا جبل‌الطارق می‌رسد و اینکه تا الان مراقب بوده‌ایم مستقیماً با ایران درگیر نشویم، اتفاقی نبوده و سیاست هوشمندانه این است که همچنان محتاط بمانیم. من از آنچه در جریان است، نگرانم؛ چراکه حس می‌کنم دیگر در این رابطه سخت‌گیری نمی‌شود.

در مجموع، به نظر نمی‌رسد افکار عمومی اسرائیل با ارزیابی شما هم‌نظر باشد. اینجا عقیده بسیاری این است که اسرائیل کاملاً قدرتمند است و هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

کاملاً مخالفم. اگر به خاطر داشته باشید، یک روز نتانیاهو اعلام کرد قرار است یک نشست ویژه کابینه امینتی برگزار شود. حجم اضطراب و شایعات در فاصله بین این اعلامیه تا بیانیه‌ای که عملاً عنوان کرد «نگران نباشید، چیزی نیست.»، نشان داد افکار عمومی کاملاً هوشیار است و می‌داند که وضعیت ما خوب است؛ اما در عین حال درک می‌کند که لایه یخی که داریم روی آن راه می‌رویم، چقدر نازک است.»

## بی‌خوابی از هراس جنگ با ایران

۱۶۷

در بخش دیگری از این مصاحبه اتریون درباره دوره بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ که بحث احتمال درگیری نظامی میان تل‌آویو و تهران مطرح شده بود، در انتقاد تلویحی از نتانیاهو می‌گوید: «من خیلی روی این موضوع کار کرده‌ام. چه زمانی که در شورای امنیت ملی بودم و چه زمانی که در وزارت خارجه بودم. چیزهایی هست که نمی‌توانم در موردشان صحبت کنم؛ اما اگر هم‌سرم اینجا بود، به شما می‌گفت من چه شب‌های زیادی بی‌خوابی کشیدم. نه به این خاطر که داشتم در دفترم کار می‌کردم؛ بلکه به خاطر حجم نگرانی‌ای که داشتم.

از چه می‌ترسیدی؟

غیرمستقیم توضیح می‌دهم. این [پرونده ایران] یک موضوع کلاسیک است که در آن باید بین بخش دیپلماتیک و بخش نظامی، یکپارچگی وجود داشته باشد. خواست من به‌عنوان یک شهروند و به‌عنوان یک حرفه‌ای، این است که سیستم، صدای هر دو عنصر را نمود دهد؛ اما سیستم نمایانگر بعد دیپلماتیک نیست، اگر هم این کار را کند، آن را به‌نحوی تحریف شده و غیرحرفه‌ای انجام می‌دهد. بخش سیاسی و بخش دیپلماتیک در هم آمیخته شده‌اند. افرادی که با این مسئله سر و کار دارند، تصور می‌کنند که بخش دیپلماتیک را می‌فهمند؛ اما نمی‌فهمند و در نتیجه جامعه است که آسیب می‌بیند. اینها بحث‌های مرگ و زندگی هستند. ما در وزارت خارجه در همان مراحل اولیه، به این جمع‌بندی رسیدیم که احتمال زیادی وجود دارد که ایالات‌متحده و ایران به توافقی دست یابند. مدت‌ها پیش از آنکه کس دیگری چنین چیزی بگوید. حتی بعضی‌ها می‌گفتند که امکان ندارد چنین توافقی شود و صحبت در این مورد

بی‌فایده است. می‌توانید تصور کنید چقدر ناامید کننده است که چیزی را بفهمید؛ اما نتوانید حمایت بخش سیاسی را جلب کنید.»

## از «توافق بزرگ» تا برجام

اتزیون در این مصاحبه به توافق هسته‌ای با ایران و ادعای تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتم و حمله به تل‌آویو نیز می‌پردازد و می‌گوید: «این ادعا که ایران به دنبال چنین کاری است یک شعار سیاسی است و حتی اگر ایران بمب اتم هم داشته باشد، چنین اقدامی انجام نمی‌دهد.»

او درباره برجام که نتایه‌ها آن را «یک توافق بد» توصیف کرده، می‌گوید: «به عقیده من و اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان این موضوع، توافق بدی نیست. نتایه‌ها به آن برچسب توافق بد زد و با این عنوان که عدم توافق بهتر از یک توافق بد است، علیه آن جنگ راه انداخت؛ اما یک توافق خوب که در آن ایران تمام توانمندی هسته‌ای خود را کنار گذاشته و تمام تاسیسات مطالعات هسته‌ای خود را تعطیل کند، اساساً وجود ندارد.»

## مسائل دیگر چه؟ ستیزه‌جویی ایران در منطقه و حمایتشان از تروریسم؟

در ارتباط با مسئله ایران، چندین عنصر هست که می‌توان مورد بررسی قرار داد. عنصر هسته‌ای، عنصر ترور و عنصر خرابکاری منطقه‌ای؛ عنصر موشک هسته‌ای و عنصر ایدئولوژی-تئولوژی. نظریه‌ای وجود داشت، مبنی بر اینکه می‌توان در جبهه‌های گسترده با ایران روبه‌رو شد و برای مذاکره با آنها تلاش کرد. این روش به «توافق بزرگ» (Grand Bargain) موسوم بود که در آن، ما تمام آن موضوعات را طرح می‌کردیم و به توافق می‌رسیدیم و در این چارچوب مشروعیت رژیم ایران را می‌پذیرفتیم. سالیان سال، نگرانی بزرگ ایرانی‌ها که از دید آنها نگرانی به جایی هم بود، تغییر رژیم است. آنها قبلاً چنین تجربه‌ای داشتند و حق هم دارند.

## پس چطور این توافق چنین ویژگی‌ای ندارد؟

ایده «توافق بزرگ» مدت‌ها پیش در مراحل اولیه مذاکرات اروپایی‌ها با ایرانی‌ها، در

سال ۲۰۰۳، مطرح شد؛ اما در آن برهه حساس که شاید می‌شد در آن جهت حرکت کرد، هم اسرائیلی‌ها و هم آمریکایی‌ها نه گفتند. آنها گفتند از بین تمام این موضوعات یک موضوع واقعا حیاتی وجود دارد، آن هم مسئله هسته‌ای است و بقیه را می‌توان معطل گذاشت.

کدام اسرائیلی‌ها؟

هم نتانیاهو و هم دیگر آدم‌های داخل سیستم. این، به خودی خود رویکرد معقولی است؛ اما مسئله این است که نمی‌شود بعد از اینکه کاری که می‌خواستید انجام شده، بیاید و تغییر موضع داده و بگویید پس موشک چه شد؟ تروریسم چه شد؟ چرا آنها در توافق نیستند؟»

## میراث نتانیاهو

او در واکنش به درخواست‌های دوازده‌گانه «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا از ایران، می‌گوید هدف از منفی‌بافی علیه برجام، خراب کردن کار «باراک اوباما» رییس‌جمهور سابق آمریکا بود. اتریون با بیان اینکه نتانیاهو در عمر سیاسی‌اش حتی یک توافق خارجی مهم نداشته، می‌گوید نتانیاهو و دیگر سیاستمداران اسرائیلی در جایگاهی نیستند که آمریکا را درباره ویژگی‌های یک توافق نصیحت کنند.

اتزیون درباره اینکه نتانیاهو چه می‌خواهد و میراث او چه خواهد بود، گفت: «اولین مسئله، دفن کردن توافقات «اسلو» و از بین بردن ایده تشکیل دولت فلسطینی است. او تا حد زیادی این هدف را محقق کرده است. دومین مسئله، کنار زدن نخبگان است که در این زمینه هم دارد خوب پیش می‌رود و سومین مورد، مسئله ایران است که در این باره هم او واقعا خوش‌شانس بود که ترامپ روی کار آمد. در نبود ترامپ، میراث او، از نظر خود او، یک شکست جدی بود.»

اتزیون که اساسا سیستم سیاسی رژیم صهیونیستی را معیوب و فاقد روحیه همکاری می‌داند، در پاسخ به این سوال که کدام نخست‌وزیر بیشتر به دنبال همکاری با دیگران بوده، می‌گوید: «هیچ‌کدام همکار و متوجه دیگران نبودند. این بخشی از مسئله است؛ چراکه سیستم از همکاری و توجه به یکدیگر، حمایت نمی‌کند. در بسیاری از موارد،

مباحث صرفاً برای ثبت در اسناد انجام می‌شوند و عمدتاً نیز عرصه‌ای برای درگیری‌های پرسنلی و سازمانی هستند، بین ارتش، شورای امنیت اسرائیل، موساد و شین‌بت، و تقریباً هیچ‌وقت به سطح راهبرد یا خط‌مشی نمی‌رسد.

### پس تصمیمات کجا اتخاذ می‌شوند؟

بین نخست‌وزیر و یکی دو نفری که مورد اعتماد او هستند؛ مثلاً، برای آریل شارون، دوو ویسگلز، دادستان وقت بود. برای ایهود اولمرت، توربو یورام توربویکز دادستان وقت بود. در مورد نتانیا هو، سوال جالبی است؛ اما فکر نمی‌کنم امروز شخص خاصی وجود داشته باشد. نخست‌وزیر جلسات کابینه امنیتی را زمانی برگزار می‌کند که همه آنها از نتیجه مطلع باشند. ضمناً انواع و اقسام نشست‌ها وجود دارد که نخست‌وزیرها برگزار می‌کنند تا بتوانند خودشان شرکت‌کنندگان و کسانی را که شرکت نمی‌کنند، انتخاب کنند. به‌طور کلی به این نشست‌ها «زایزنی‌های امنیتی» می‌گویند که در واقع کد رمزی است برای اینکه «بیاوید درباره مسایل دیپلماتیک و سیاستگذاری صحبت کنیم، بدون آنکه وزارت خارجه حضور داشته باشد.»

چرا؟

چون وزارت خارجه را نمی‌خواهند. به ما اعتماد ندارند. وزارت خارجه از نظر آنها سازمانی است که واقعا چیزی برای عرضه در بحث‌ها ندارد. عملاً، حوزه دیپلماتیک از وزارت خارجه گرفته و به‌نفع دیگران مصادره شده است. نخست‌وزیر به‌صورت فزاینده‌ای، از طریق اداره امور سیاسی - نظامی وزارت دفاع که کنترل روابط اسرائیل با اردن را هم در اختیار دارد، شخصاً فعالیت‌های دیپلماتیک را بر عهده گرفته است. موساد هم که همواره در منطقه خاکستری بوده، اکنون برای مداخله در این حوزه، احساس آزادی عمل می‌کند. نه فقط به وزارت خارجه نسبت به اینکه اطلاعات را درز نمی‌دهد اعتمادی وجود ندارد؛ بلکه تصور می‌کنند که وزارت خارجه محل درز اطلاعات و سنگر چپ‌گراهاست.

آیا این تصور واقعیت دارد؟

مانند هر برداشتی، به هر حال میزانی از حقیقت در آن هست؛ اما در نهایت،

اخلاق حرفه‌ای در وزارت خارجه از هر گرایشی قدرتمندتر است. میانه‌روی و تدبیر به‌عنوان چپ‌گرایی تعبیر می‌شوند. من در سال‌های اخیر گرایشی ثابت را شاهد بوده‌ام، زمانی که گزینه‌ها، آماده شدن برای جنگ و تلاش برای ممانعت از وقوع آن، از طریق پرداخت هزینه و از طریق سازوکارها و توافق‌های دیپلماتیک باشد، گزینه پیش‌فرض تمام کابینه‌های اسرائیل در طول نسل‌های مختلف، رفتن به جنگ بوده؛ چراکه هزینه سیاسی آن کمتر است. در بسیاری از موارد، ما جنگ را آغاز می‌کنیم، بهای آن را می‌پردازیم و قربانی می‌دهیم و نهایتاً به چیزی می‌رسیم که می‌توانستیم بدون خونریزی هم به آن برسیم. این در مورد عملیات‌هایمان در غزه و نهایتاً تفاهم‌هایی که با حماس به آنها می‌رسیم و البته هم همیشه تکذیبشان می‌کنیم، صادق است. این در مورد لبنان و حزب‌الله هم صادق است، درباره خطوط تهاجم علیه ایران هم صادق است؛ هرچند که موافقم که این یکی، مسئله‌ای به مراتب پیچیده‌تر و دشوارتر است. در هر جبهه‌ای که توافقی وجود دارد، ما می‌توانستیم قبلاً آنها را بپذیریم؛ اما این کار را نکردیم.

### ایرانی‌های صبور

او در ادامه به انتقاد از رویکرد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا درباره نهادهای دیپلماتیک و امنیتی ایالات متحده پرداخت و گفت او در حال از بین بردن این نهادهاست: «من هنوز هم با کارکنان وزارت خارجه آمریکا یا سازمان‌هایی مانند اف. بی. آی یا سیا صحبت می‌کنم. ترامپ دارد به‌صورتی نظام‌مند و بی‌رحمانه این سازمان‌ها را نابود می‌کند. افراد را بیرون می‌اندازد یا مجبور می‌کند که بروند. پست‌های بسیار زیادی در سطح سفارت یا رده‌های ارشد وزارت خارجه وجود دارد که ترامپ آنها را خالی گذاشته است. بسیاری از اسرائیلی‌ها تصور می‌کنند که ترامپ برای ما رئیس‌جمهور خوبی است. انگار اسرائیل تنها جایی است که ترامپ می‌تواند دوباره آنجا انتخاب شود. این پیامی درباره ما دارد و متأسفانه نشان می‌دهد که دولت تا چه حد بر گفتمان حاکم بر اسرائیل کنترل دارد. به‌همان اندازه که اینجا اواما را بدنام می‌کردند، دارند ترامپ را خوب و مثبت جلوه می‌دهند. نتانیاهو و افرادی مانند «شلدون ادلسون» (سرمایه‌دار صهیونیست و حامی مالی حزب لیکود) نفوذ بسیار گسترده‌ای بر ترامپ دارند و این مسئله پیش از انتخابات هم مشهود بود.»

اتزیون با بیان اینکه اوباما بهتر از ترامپ اولویت‌های امنیتی تل‌آویو را تشخیص می‌داد، ترامپ را به بی‌برنامگی و ناتوانی در دستیابی به توافق متهم کرد و گفت: «نتانیاهو می‌خواهد ایالات متحده آن کار را برای ما انجام دهد.»

یعنی حمله به ایران؟

بله. همین‌طور، درباره سوریه و فلسطینی‌ها.

به نظر تان چنین اتفاقی می‌افتد؟

نه، چراکه بازه زمانی‌ای که ایرانی‌ها بر اساس آن فکر می‌کنند، طرح می‌ریزند و اقدام می‌کنند، به مراتب طولانی‌تر است. فکر می‌کنم ارزیابی ایرانی‌ها این است که رژیم ایالات متحده پیش از رژیم ایران تغییر می‌کند. و به محض آنکه ترامپ برود، بازی تازه‌ای آغاز می‌شود. آنها صبور هستند. فکر می‌کنم نهایتاً موازنه‌ای ایجاد می‌شود که نه شامل حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران است و نه تولید بمب توسط ایرانی‌ها. ایرانی‌ها باهوش‌تر از آنند که چنین بی‌عقلی‌ای کنند.

او در پایان درباره دلیل بازنشستگی زودهنگامش از وزارت خارجه رژیم صهیونیستی آنهم در حالی که قرار بود نفر دوم سفارت این رژیم در واشنگتن باشد و حتی فرزندانش را در مدارس این شهر ثبت نام کرده بود، اختلاف با «آویگدور لیبرمن» وزیر خارجه وقت و وزیر جنگ کنونی را یادآور می‌شود و می‌گوید: «می‌توانم داستانی برایتان تعریف کنم. در واقع، دو واقعه که به خاطر می‌آید. در واقعه اول، «آرون آبراموویچ» فرد فوق‌العاده‌ای که آن زمان مدیر کل وزارت خارجه بود، از من خواست به‌عنوان بخشی از برنامه توجیه وزیر خارجه جدید، ارایه‌ای درباره ایران برای او داشته باشم. من لپ‌تاپی محرمانه و ارایه‌ای درباره موضوع ایران در آن، داشتم. هر چیزی که می‌خواهید در این مورد بدانید؛ اما می‌ترسید در موردش سوال کنید. در اتاق می‌نشینیم، جمع بسیار کوچکی است، لیبرمن می‌پرسد، اینجا چه داری؟ من می‌گویم، نقشه‌ای کامل از هر سناریوی ممکن درباره مسئله ایران و بعد، او می‌گوید علاقه‌ای ندارد. این پایان جلسه بود. این یک پیام است، یک نشانه است.

چند هفته بعد، او دوباره آن جمع کوچک مقام‌های ارشد وزارت خارجه را در هتلی در «مامیلا» (شهری در مجاورت بخش قدیمی قدس) گردهم می‌آورد. سپس لیبرمن

به ما می‌گوید: بگوئید ببینم منافع اسرائیل در ارتباط با مصر چیست؟ و من به‌عنوان دانش‌آموخته‌ای ممتاز که از شورای امنیت اسرائیل آمده‌ام، دستم را بالا می‌برم و می‌گویم «حفظ توافقنامه صلح...»، و لیبرمن می‌زند زیر خنده و می‌گوید «پسر، چه چپ‌گرایی هستی!» سپس همه دوستانم هم با او می‌خندند. اینجاست که می‌فهمی یک انتخاب داری، یا با آنها هم‌رنگ می‌شوی، یا کنارت می‌زنند. پیشنهاد کرداری در واشنگتن پس از آن به من رسید که من برای گرفتن سمت‌های سفارتی در هر جایی تلاش کردم و هر بار، آنها مانع شدند. آنها حتی تلاش کردند از حضورم در واشنگتن ممانعت بعمل آورند.

### جمعیت‌شناسی اسرائیل: تبارشناسی گروه‌های یهودی

به گزارش مرکز اسرائیل و امور یهودی (CIJA)، واقع در الجزیره، مردم یهودی که امروز در اسرائیل زندگی می‌کنند، عمدتاً به سه گروه اصلی تقسیم شده‌اند: اشکنازی، سفاردی و میزراهی. تبار اشکنازی‌ها به آلمان، فرانسه و شرق اروپا بازمی‌گردد. واژه اشکنازی از واژه عبری آلمان گرفته شده است. امروز اغلب یهودیان آمریکایی، اشکنازی هستند که تبار آنها به کسانی بازمی‌گردد که در اواسط قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به آمریکا رسیدند. با وجود اینکه اکثر یهودیان جهان، اشکنازی هستند؛ اما این گروه، حدود ۴۷ درصد از یهودیان اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

تبار سفاردی‌ها به اسپانیا، پرتغال، شمال آفریقا و خاورمیانه بازمی‌گردد. واژه سفاردی از واژه عبری اسپانیا گرفته شده است. یهودیان پس از پایان حکومت مسلمانان در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا گریختند. سفاردی‌ها با داشتن سهمی حدود ۵۲ درصد، اکثریت یهودیان اسرائیل را تشکیل می‌دهند. یهودیان سفاردی اغلب به دو زیرشاخه سفاردی‌ها و میزراهی‌ها (از شمال آفریقا و خاورمیانه) تقسیم می‌شوند. واژه میزراهی از واژه عبری شرقی می‌آید.

گروه دیگری از یهودیان اسرائیلی را اتیوپیایی تبارها تشکیل می‌دهند؛ بسیاری از آنها طی سال‌های قحطی در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی به اسرائیل آمدند و تابعیت اسرائیلی کسب کردند.

امروز دست کم ۱۳۵ هزار یهودی اتیوپیایی در اسرائیل زندگی می‌کنند که حدود ۲ درصد از جمعیت یهودیان را تشکیل می‌دهند.

## اسرائیل قانون جنجالی «کشور یهود» را تصویب کرد

مجلس اسرائیل قانون جنجالی را به تصویب رسانده که مطابق آن این کشور منحصرأ به‌عنوان یک کشور یهودی تعریف می‌شود. تصویب این قانون با مخالفت نمایندگان عرب اسرائیل مواجه شده است. قانون «کشور یهود» اسرائیل را به‌عنوان «میهن مردم یهودی» می‌داند و می‌گوید گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی به‌نفع منافع ملی است.

## یگان مستعربین چیست؟

این یگان زیر نظر (سازمان اطلاعات و امنیت داخلی) شین‌بت فعالیت می‌کند و یکی از ماموریت‌هایش نفوذ در بین جوانان فلسطینی و شناسایی لیدرهای اصلی است.

## سیاست «سکوت ایران» در سوریه

آویگدور لیبرمن وزیر دفاع اسرائیل چندی پیش در بازدید از مرکز فرماندهی شرایط اضطراری در شهر قصرین واقع در بلندی‌های جولان گفته بود: «پذیرش استقرار نظامی ایران در سوریه با اینکه اجازه دهیم ایرانی‌ها طناب دار را به گردن ما بیابوزند، یکسان است. ما اجازه این کار را نخواهیم داد.» این مثال لیبرمن نمونه عینی و بارز آن چیزی است که هر روز یکی از مقامات اسرائیلی سخنی از آن به زبان می‌آورد، سخنی که نشان از نگرانی جدی اسرائیل درباره حضور ایران در آن مشهود است و این نگرانی آنها را وادار به بیان تهدیداتی می‌کند، تهدیدهایی همچون بمباران مراکز ایران در سوریه و هشدار به رهبران سوری.

در مقابل پاسخ ایران به این موضع‌گیری‌ها و تهدیدها معمولاً سکوت بوده است، چیزی که منجر به آن شده تا برخی از تحلیل‌گران اسرائیل و سعودی این سکوت را ناشی از ضعف ایران در پاسخگویی و رویارویی با اسرائیل عنوان کنند.

برخلاف باوری که رسانه‌های اسرائیلی القا می‌کنند این اسرائیل بوده است که همواره با تلاش‌های بسیار سعی در مهار ایران در سوریه داشته است؛ نمونه بارز آن دو سفر بنیامین نتانیاهو در طول دو سال گذشته به روسیه و دیدار با پوتین بر سر مسئله حضور ایران در سوریه بوده است، سفرهایی که هدف آن رایزنی با روس‌ها در جهت مهار ایران بوده است و هر بار این نتانیاهو بوده است که قول مساعد گرفته تا ایران در سوریه محدود شود؛ اما این قول‌ها هیچ‌گاه عملی نشده است و ایران و گروه‌های حامی ایران در حال توزیع در مناطقی از سوریه هستند.

اسرائیل در ابتدا خواستار فاصله گرفتن ایران از مرزهای سرزمین‌های اشغالی بود و حد فاصله را ۷ کیلومتر اعلام کرده بود؛ اما پس از مدتی اسرائیل به این نتیجه رسید که اساساً حضور ایران در سوریه می‌تواند در آینده به ایجاد گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان بیانجامد، به همین علت به دنبال فشار بر افکار عمومی مردم ایران و سوریه است تا حضور ایران در سوریه را منشا ناامنی و بی‌ثباتی معرفی کند. به نظر می‌رسد ایران بدور از هیاهوهای خبری در حال پی‌ریزی برنامه بلندمدت حضور خود در سوریه است و هر قدر بتواند در قبال حمله‌ها و هیاهوهای اسرائیل سکوت می‌کند تا بتواند به استقرار و ثباتی نسبی در سوریه برسد. شاید اگر اسرائیل ۷ سال قبل می‌دانست که روند درگیری‌ها در سوریه امروز به اینجا می‌انجامد هیچ‌گاه اجازه جولان تروریست‌ها و معارضان سوری را نمی‌داد تا زمینه برای حضور ایران و روسیه در نزدیکی مرزهای خود را فراهم کند.

### گزارش فارن پالیسی از جنگ پنهان اسرائیل علیه ایران

روزنامه آمریکایی فارن پالیسی در دو گزارش در روزهای پنجشنبه ۱۵ شهریور و جمعه ۱۶ شهریور با ادعای «گسترش جنگ مخفی اسرائیل علیه ایران» و مشارکت فعالانه اسرائیل در عملیات جنگی سوریه نوشته است که ارتش اسرائیل ۱۲ گروه از شورشی‌های مسلح در جنوب سوریه را تجهیز نظامی کرد و به آنها کمک مالی می‌داد. بر اساس این گزارش‌ها، هدف اسرائیل از یکسو جلوگیری از تثبیت نیروهای داعش در بخش جنوبی سوریه و از سوی دیگر مقابله با احتمال نزدیک شدن همپیمانان ایران به

مرزهایش بود. پیش از این، وال استریت ژورنال نوشته بود، اسرائیل هفت گروه مختلف شورشی را در ارتفاعات سوری جولان تجهیز نظامی می‌کرد و این کمک‌ها از جمله به گروه فرسان الجولان می‌رسید که ۴۰۰ جنگجوی آن ماهیانه حدود ۵ هزار دلار پول می‌گرفتند.

اما بر اساس گزارش جدید فارن پالیسی، اسرائیل از سال ۲۰۱۶ در چارچوب طرح «همسایه خوب»، در کنار کمک بشردوستانه، تجهیزات نظامی مختلف مانند تیربار، خمپاره و نیز خودرو را از سه نقطه مرزی به‌دست ۱۲ گروه شورشی می‌رساند. فارن پالیسی افزوده است که اسرائیل به هریک از نیروهای شورشی این گروه‌ها نیز ماهیانه معادل ۷۵ دلار آمریکا پول می‌داد و افزون بر آن، کمک‌های مالی دیگری به گروه‌ها اعطا می‌کرد که به ادعای خود شورشی‌ها و روزنامه‌نگاران محلی، با آن از بازار سیاه جنگ‌افزار خریداری می‌شد.

به نوشته این روزنامه، شورشی‌ها با این یاری‌های اسرائیل امیدوار بودند که این کشور در عملیات جنگی علیه بشار اسد با هدف جلوگیری از نزدیک شدن نیروهای دولتی سوری به جنوب سوریه دخالت کند؛ اما هنگامی که قوای اسد و نیروی هوایی روسیه عملیات نظامی را برای بیرون راندن شورشی‌ها آغاز کردند، احساس این گروه‌های شورشی «خیانت» از سوی اسرائیل بود؛ زیرا اسرائیل تنها اوضاع را رصد می‌کرد.